

تجربه زیسته زنان مطلقه شهر ساوه در حوزه روابط خانوادگی و اجتماعی

فریده خلیج آبادی فراهانی^۱، فاطمه تنها^{۲*}، فاطمه ابوترابی زارچی^۳

چکیده

امروزه، تعداد زنانی که همسران خود را بر اثر طلاق از دست داده‌اند رو به افزایش است. این زنان به دلیل فشارهای اقتصادی و اجتماعی معمولاً تغییراتی را در روابط خود تجربه می‌کنند. این تحقیق با هدف کشف تجربیات زیسته زنان زیر ۳۵ سال مطلقه از تغییرات در روابط خانوادگی و اجتماعی پس از اطلاق در شهر ساوه انجام شد. مصاحبه‌شوندگان از نظر وضعیت اشتغال و مادر بودن در شرایط متفاوتی قرار داشتند. نمونه‌گیری این تحقیق به شکل هدفمند و با روش گلوله برفی انجام شد. با توجه به اینکه تجربیات زنان در مورد ماهیت روابط آنان پس از طلاق مورد کنکاش قرار می‌گیرد، رویکرد این تحقیق پدیدارشناختی است. جوهره مشترک در تجربیات زنان در روابط خانوادگی، محیط حمایتی و کنترلی و در روابط اجتماعی، طرد اجتماعی درون‌زا و برون‌زا و فضای ناپایمن شغلی و اجتماعی بود. این نتایج کاربردهای زیادی برای حمایت‌های اجتماعی زنان پس از طلاق و همچنین آموزش‌های زوجین از تغییرات روابط پس از طلاق خواهد داشت.

کلیدواژگان

زنان مطلقه، پدیدارشناسی، طرد اجتماعی برون‌زا، طرد اجتماعی درون‌زا، محیط حمایتی و کنترلی خانواده.

faridehfarahani@gmail.com

f.tanhaa@gmail.com

abootorabi@gmail.com

۱. دانشیار مؤسسه مطالعات و تحقیقات جامع و تخصصی جمعیت کشور

۲. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه یاسوج

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۱۱

مقدمه

طلاق یکی از پدیده‌های اجتماعی است که ابعاد مختلفی دارد. این پدیده اضلاعی به تعداد همه جوانب و ابعاد جامعه انسانی دارد. نخست، طلاق پدیده‌ای روانی است، زیرا به تعادل روانی نه تنها دو انسان، بلکه فرزندان، دوستان، بستگان و نزدیکان آن‌ها اثر می‌گذارد. ثانیاً، طلاق پدیده‌ای اقتصادی است؛ به این معنا که هم می‌تواند «خانواده» را به منزله یک واحد اقتصادی بر پای دارد و هم به این معنا که یک عامل اقتصادی مانند «درآمد خانواده» و به‌طور کلی، «فقر» موجب ازهم‌گسیختگی خانواده می‌شود. گذشته از این، طلاق پدیده‌ای است مؤثر بر همه جوانب جمعیت در یک جامعه، زیرا از طرفی بر کمیت جمعیت اثرگذار است، چون تنها واحد مشروع و اساسی تولید مثل، یعنی خانواده، را از بین می‌برد و از طرف دیگر، بر کیفیت جمعیت اثر دارد، چون موجب می‌شود فرزندان محروم از نعمت‌های خانواده تحویل جامعه داده شوند که به احتمال زیاد به علت محرومیت عاطفی و اقتصادی از حمایت هر دوی والدین، ممکن است نتوانند بسیاری از فرصت‌ها و پتانسیل‌های پیشرفت را به دست آورند. در سال‌های اخیر، رشد چشمگیر پدیده طلاق توجه هر محقق و مسئولی را به خود جلب می‌کند. تعداد طلاق‌های به‌وقوع پیوسته در ایران در طول ۱۸ سال (از ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۳) با نرخ رشد ۲۸ درصدی روبه‌رو بوده است. اما به فاصله تقریباً ۷ سال (از ۱۳۸۳ تا شش ماهه اول ۱۳۹۰)، افزایش ۲۵ درصدی در وقوع طلاق مشاهده می‌شود که از تعداد ۱۰۳ هزار و ۲۹۴ واقعه به ۱۳۷ هزار و ۳۲۴ واقعه رسیده است. آمار منتشره از سازمان امور جوانان استان مرکزی نشان می‌دهد شهرستان ساوه بالاترین آمار طلاق این استان را بعد از مرکز استان دارد و طبق آخرین آمار در سال ۱۳۹۵، ۶۴۶ مورد طلاق در دفاتر ثبت احوال این شهرستان به ثبت رسیده است و نسبت طلاق‌های ثبتی به ازدواج در این سال به یک طلاق در ازای چهار ازدواج افزایش یافته است [۱۲].

با وجود افزایش آمار طلاق، همچنان طلاق قبح اجتماعی دارد و تابوهایی با طلاق، به‌خصوص برای زنان، به وجود می‌آید. با وجود تغییرات فرهنگی و اجتماعی رخ داده در ایران، همچنان ازدواج یکی از راه‌های مهم برای افزایش پایگاه اجتماعی زنان است. ازدواج در جامعه ایرانی اهمیت زیادی، به‌خصوص برای زنان، دارد و به همین دلیل انتظار می‌رود زنان مطلقه با مشکلات فراوان ارتباطی پس از طلاق مواجه شوند. مسلماً روابط زن با خانواده، جامعه، دوستان و... دستخوش تغییراتی می‌شود که ماهیت آن پس از طلاق کمتر در جامعه ایران شناخته شده است. لذا این تحقیق با هدف شناسایی و کشف تغییرات در ماهیت روابط و تعاملات خانوادگی و اجتماعی زنان مطلقه زیر ۳۵ سال شهر ساوه انجام گرفته است.

پیشینه تجربی

با توجه به اهمیت خانواده، به‌منزله مهم‌ترین نهاد اجتماعی، تا کنون تحقیقات گسترده‌ای

در خصوص طلاق و فروپاشی نهاد خانواده انجام گرفته است. از جمله ابعاد طلاق پیامدهای آن برای زنان مطلقه است که در سال‌های اخیر توجه پژوهش‌گران را به خود جلب کرده و مطالعاتی در این زمینه انجام گرفته است. از جمله آن‌ها مطالعه عنایت‌زاده و قاضی طباطبایی [۹] است که در پژوهشی با هدف واکاوی تجربه زیسته زنان مطلقه گرد، مضامینی شامل رویارویی با چالش‌ها، چانه‌زنی، متقاضی شدن زوجین برای طلاق، تصمیمات اقتصادی، تصمیمات والدینی، گم‌گشتگی آغازین، ارزیابی انتقادی و رشد و تعالی شخصی، اعمال کنترل، فقدان حمایت و... استخراج کردند. مطالعه صادقی فسایی و ایثاری [۶] نشان داد که آسیب‌پذیری زنان- به خصوص در ابعاد اقتصادی، ارتباطی و اجتماعی- به تبعات بسیار منفی، نه تنها برای آن‌ها، بلکه برای خانواده، فرزندان و در مجموع کل جامعه، منجر می‌شود. محمدپور [۱۵] در پژوهش خود دریافت زنان در سازگاری پس از طلاق دو راهبرد کلی را دنبال می‌کنند؛ یکی زندگی با خانواده پدری و دیگری تشکیل زندگی مستقل است. کلانتری و دیگران [۱۳] در تحقیقی دریافتند که کلیه ابعاد کیفیت زندگی (شامل سلامت فیزیکی، روان‌شناختی، روابط اجتماعی و محیط زندگی) در زنان مطلقه به‌طور معناداری کمتر از زنان غیرمطلقه است. در پژوهش قدرتی و همکاران [۱۱] مشخص شد از نظر زنان مطلقه تحت مطالعه، تجربه طلاق در سطح خرد و میانه پیامدهایی مثبت و منفی دارد؛ در حالی که پیامدهای سطح کلان صرفاً منفی است. نتایج تحقیق زارعی و همکاران [۳] نشان داد که زنان مطلقه در جامعه با چالش‌هایی مواجه می‌شوند که از مهم‌ترین آن‌ها تبعیض جنسیتی به دنبال تغییر وضعیت تأهل، ناپذیرا بودن و به حاشیه رانده شدن زن به دنبال طلاق است. حسنی و همکاران [۲] در تحقیق خود پیامدهای طلاق را بر زنان در سه سطح خرد، میانه و کلان تقسیم‌بندی کردند. پیامدهای سطح خرد شامل احساس از دست دادن عمر، احساس ضرر مالی، احساس تنهایی است. در سطح میانی، نگرانی از آینده فرزندان و تعارض با خانواده، در سطح کلان مشکلات مالی و اقتصادی، برچسب‌خوردن از سوی جامعه، پیشنهاد ارتباط فراازدواجی، بی‌اعتمادی به جامعه است. افراسیابی و جهانگیری [۱] در تحقیق خود دریافتند زنان سرپرست خانوار در تعاملات اجتماعی روزمره خود با مسائل و کلیشه‌های منفی روبه‌رو هستند که تجربه حریم ناامن را برای آنان به همراه دارد. کاواس [۱۹] در پژوهشی کیفی بر زنان مطلقه کشور ترکیه دریافت که بیشتر پاسخ‌گویان تجربه داغ ننگ را به دلیل طلاق از سوی جامعه تجربه کردند. توماس و ریان [۲۳] در پژوهش خود دریافتند که شکست ازدواج به شکست در بسیاری از سطوح اجتماعی و در نتیجه داغ و انگ برای عموم زنان مطلقه منجر می‌شود.

با توجه به مرور تحقیقات انجام‌شده، به نظر می‌رسد تحقیق در خصوص تجربه زیسته در حوزه روابط خانوادگی و اجتماعی زنان مطلقه کمتر مورد توجه بوده است.

پیشینه نظری

با توجه به اینکه پژوهش پیش رو با روش کیفی انجام گرفته است، محققان خود را به مبنای نظری از پیش تعیین شده محدود نکرده‌اند و نظریه‌های پیش رو بیشتر در زمینه تبیین نتایج به‌دست‌آمده استفاده شده است. ون مانن از نظریه‌پردازان پدیدارشناختی است که از مفهوم تجربه زیسته استفاده می‌کند. تجربه زیسته دنیایی است که برای هریک از ما زندگی روزمره را می‌سازد. به باور ون مانن، این قلمرو چهار وجه اصلی دارد که عبارت‌اند از بدن زیسته، زمان زیسته، مکان زیسته و روابط زیسته. روابط انسانی زیسته، که ضلع چهارم این مربع را تکمیل می‌کند، دلالت بر همهٔ رابطه‌ها و پیوندهایی دارد که هریک از ما در طول زندگی با دیگران داشته‌ایم و زمان و مکانی را با آنان شریک بودیم. همهٔ کسانی که در سال‌های زندگی در قالب نقشی معین بر اندیشه و احساس ما تأثیر گذاشته و از ما تأثیر پذیرفتند: مادر، پدر، خواهر، برادر، همکلاسی، دوست، همکار، همشهری و... همهٔ تعامل‌های روزمرهٔ ما در نهادهای اجتماعی این وجه از تجربه زیسته را می‌سازند [۱۹].

گافمن در نظریهٔ داغ ننگ سه نوع هویت را از هم تفکیک می‌کند. هویت اجتماعی، هویت شخصی و هویت خود. او بین هویت اجتماعی بالقوه و هویت اجتماعی واقعی تمایز قائل است. داغ براساس اختلاف بین هویت اجتماعی بالقوه و واقعی است. زمانی که تفاوت‌های فرد فوراً آشکار نباشد و از قبل مشخص نباشد، در این صورت فرد قابلیت بی‌اعتباری را دارد و نه اینکه شخصی بی‌اعتبار شده باشد و احتمال دارد که در آینده این تفاوت برای دیگران محرز شود. در داغ بی‌اعتباری، فرد با تنش معنادار در طول روابطش با دیگران روبه‌روست، اما در داغ احتمال بی‌اعتباری، فرد با مدیریت اطلاعات در مورد تفاوتش روبه‌روست [۱۸]. در واقع، افرادی که با داغ بی‌اعتباری روبه‌رو هستند به مدیریت تعامل‌های خود با دیگران می‌پردازند و افرادی که از داغ احتمال بی‌اعتباری رنج می‌برند، به مدیریت اطلاعات در مورد خود می‌پردازند. مخفی کردن، تکذیب و انزواگزینی سه راهبرد اصلی است که افراد بدنام‌شده در تعاملات اجتماعی خود به کار می‌برند [۱۸].

از نظر کاسلو، طلاق دربرگیرندهٔ سه دوره است: ۱. دورهٔ قبل از طلاق / تصمیم‌گیری که با تجربه‌های ناراضی روزافزون به روابط زناشویی در هریک از زوجین آغاز می‌شود و با اقداماتی در زمینهٔ بررسی روند قانونی طلاق و در میان گذاشتن آن با دوستان و خویشاوندان ادامه می‌یابد. ۲. دورهٔ حین طلاق / بازسازی که زمان تمرکز بر واقعیت‌های مرتبط با مسائل اقتصادی طلاق، تصمیم‌گیری دربارهٔ محل زندگی هریک از زوجین پس از طلاق، موضوع حضانت و سرپرستی و موضوع هم‌والدینی است. این دوره با احساسات مبهمی چون ترس، تنهایی، خشم و طرد عجین شده است. ۳. دورهٔ بعد از طلاق / بهبودی که افراد سعی در کشف تجربیات و هویت و منابع عشق جدید دارند [۹]. این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ این پرسش است: زنان مطلقه پس از طلاق چه تجربه‌ای در روابط خانوادگی و اجتماعی‌شان دارند؟ جوهرهٔ مشترک این تجربه چیست؟

روش تحقیق

این تحقیق با روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی انجام شد که در این رویکرد فرض بر این است که جوهره مشترک در تجربیات مشترک وجود دارد و آن معنای مشترکی است که از طریق یک تجربه مشترک به اشتراک گذاشته می‌شود [۲۰]. تا فردی چیزی را تجربه نکنند، به درک آن نائل نمی‌شود. شیوه نمونه‌گیری هدفمند بود. سعی شد افرادی که در این مطالعات انتخاب می‌شوند اغلب جوان باشند و زیر ۳۵ سال داشته باشند و همین‌طور از طلاق آن‌ها حداقل ۲ سال گذشته باشد. از نظر وضعیت اشتغال (شاغل و بیکار) و مادربودن افراد نمونه در شرایط متفاوتی قرار دارند. مشخصات جمعیت‌شناختی این افراد در جدول ۱ بیان شده است. برای دسترسی به زنان مطلقه شهر ساوه به مرکز بهزیستی شهرستان مراجعه شد و با پیشنهادهای ارائه‌شده، محقق در کلاس‌های انجمن نارانا، که هفته‌ای یک بار در این مرکز برگزار می‌شد، حضور یافتند. نارانا انجمنی برای گروه درمانی زنان دارای همسر معتاد و مطلقه است. چهار نفر از زنان مطلقه حاضر در کلاس تمایل خود را برای شرکت در مصاحبه اعلام کردند. پس از انجام دادن هر چهار مصاحبه، با استفاده از تکنیک گلوله برفی از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا زنان مطلقه دیگری را معرفی کنند. در نهایت، با ۱۴ زن مطلقه زیر ۳۵ سال مصاحبه شد. زمان مصاحبه با اختیار کامل مصاحبه‌شوندگان تنظیم شد و مکان مصاحبه نیز در دفتری در مرکز علمی و کاربردی بهزیستی شهرستان ساوه بدون حضور فرد دیگری بود. ابتدای هر مصاحبه اهداف مصاحبه و تحقیق، آزادی عمل مصاحبه‌شونده در پاسخ ندادن به سؤالاتی که مایل به پاسخ نیست و حتی در صورت لازم انصراف از مصاحبه عنوان شد. هر مصاحبه حدود ۳۰ دقیقه به طول انجامید. با اجازه مشارکت‌کنندگان (به جز یک نفر)، مصاحبه روی نوار کاست ضبط شد و بلافاصله پس از گوش کردن دقیق، به شکل کامل نوشته و تحلیل شد. ابتدا سؤالات کلی از تجربه روزانه در ۴ حیطه روابط خانوادگی، روابط با دوستان، روابط با فامیل و آشنایان و محل کار و جامعه زنان مطلقه مطرح شد و سپس سؤالات اکتشافی برای تشویق شرکت‌کننده به اطلاعات عمیق‌تر پرسیده شد.

در جهت افزایش اعتبار درونی از واری‌های اعضا استفاده شد. به این ترتیب که نتایج و دریافت‌های مصاحبه‌گر از صحبت‌های فرد به او بازخورد داده شد تا محقق از دریافت خود اطمینان حاصل کند. اقدام دیگر در جهت افزایش اعتبار درونی استفاده از بازبینی همسانان بود. به این شکل که کدگذاری توسط دو محقق هم‌زمان انجام شد.

روش تحلیل ون مانن از سوی محققان این پژوهش استفاده شد. این روش شامل فعالیت‌هایی است [۲۴] که در این پژوهش به کار گرفته شد. ابتدا با تعمق در زندگی زیسته زنان مطلقه سؤال پدیدارشناسی فرمول‌بندی شد. سپس مراحل متفاوتی طی شد: تفکر در مورد دانش قبلی محققان، مشغولیت یا ارتباط میان‌مدت با زنان مطلقه از طریق حضور چندباره در

کلاس‌های نارائان، انجام‌دادن مصاحبه نیمه عمیق، گوش کردن به فایل‌های صوتی مصاحبه و نگارش آن، غرق شدن در داده‌ها، تحلیل خطبه خط متن‌ها، استخراج مضامین، نوشتن رونوشت و استخراج متن اصلی مقاله.

یافته‌ها

داده‌ها با استفاده از کدگذاری نظری در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شد. در مرحله کدگذاری باز ۱۷ خرده‌مضمون، در مرحله کدگذاری محوری ۱۱ مضمون اصلی و در نهایت ۳ جوهره اصلی از تحلیل مصاحبه‌های استخراج شد. مضامین و خرده‌مضامین در جدول ۲ منعکس شده است. طبق اظهارات مصاحبه‌شوندگان جوهره مشترک تجربه رابطه با خانواده پس از طلاق وجود محیط حمایتی و کنترلی است.

در این جوهره مشترک، مضامین محیط حمایتی خانواده، افزایش کنترل و کاهش استقلال و خودمختاری جای گرفته است. در حوزه روابط با دوستان و اقوام و آشنایان مفهوم مشترک، طرد اجتماعی درون‌زا و برون‌زا است که مفاهیمی چون همسان‌گزینی در معاشرت با دوستان، طرد اجتماعی خودخواسته در آن جای می‌گیرد. در حوزه روابط در محیط کار و جامعه بزرگ‌تر، جوهره اصلی تجربه زنان مطلقه فضای ناامن شغلی و اجتماعی است که مضامین بستر شغلی ناامن، مطرود از بازار کار و تن‌دادن به ازدواج ناپایدار در آن جای دارد.

جدول ۱. ویژگی‌های زنان مطلقه شرکت‌کننده در مصاحبه

نام	سن	سن ازدواج	سن طلاق	وضعیت اشتغال	فرزند	علت طلاق	تحصیلات	سن همسر در ازدواج
مریم	۳۰	۱۶	۲۵	بیکار	۱	خیانت	دانشجو	۲۰
معصومه	۳۳	۲۳	۳۱	منشی	-	اعتیاد	دیپلم	۲۱
مریم	۳۳	۱۷	۲۹	خیاط	۲	اعتیاد	دیپلم	۲۰
مهشید	۳۲	۱۷	۲۰	آرایشگر	۱	اعتیاد	دانشجو	۲۸
بیبا	۲۸	۱۴	۲۲	آرایشگر	۱	اعتیاد	دیپلم	۲۴
سمانه	۳۳	۱۹	۳۱	بیکار	۱	اعتیاد	دانشجو	۲۷
مهناز	۳۵	۱۳	۳۱	آرایشگر	۱	بی‌مسئولیتی	سیکل	۲۲
فرزانه	۲۹	۱۹	۲۸	آرایشگر	۲	کلاهبرداری و اعتیاد	دیپلم	۲۱
مینا	۳۳	۱۶	۳۱	بیکار	۲	خیانت	دانشجو	۲۶
زهرا	۲۹	۲۳	۲۶	بیکار	-	اعتیاد	کارشناسی	۲۵
سمیه	۲۶	۱۳	۱۹	بیکار	۱	اعتیاد و خیانت	دانشجو	۱۷
فاطمه	۳۳	۲۰	۳۰	کارگر	-	عدم علاقه	دانشجو	۲۵
نیره	۳۳	۱۳	۳۲	قالی‌بافی	۱	خیانت	ابتدایی	۱۹
مهسا	۲۷	۲۰	۲۳	بیکار	-	اعتیاد	دیپلم	۲۶

محیط حمایتی خانواده

با توجه به گفته مصاحبه‌شوندگان در دوره اول، که دوره حین طلاق و بازسازی است، در این مرحله واکنش اعضای خانواده پدری در قالب ترحم و دلسوزی نمایان می‌شود که معمولاً با عدم رضایت فرد مطلقه همراه است. از آنجا که نمونه‌های بررسی‌شده از زنان طبقه اجتماعی و اقتصادی پایین و متوسط بودند و عموماً قبل از طلاق شغلی نداشتند و همچنین به علت جو فرهنگی شهر محل سکونت در خصوص غالب بودن بازگشت زن مطلقه بعد از طلاق به خانواده پدری یا محلی نزدیک خانواده پدری، تقریباً همه آنها بعد از طلاق از حمایت اقتصادی خانواده پدری برخوردار بودند. در ابتدا، پذیرش دختر مطلقه برای خانواده سنگین و نوعی شوک تلقی می‌شد. در این میان، معمولاً خانواده فرد مطلقه پس از طلاق از او حمایت می‌کردند. این حمایت‌ها در دو قالب عاطفی و اقتصادی بود. اگر فرد مطلقه بیکار و بدون درآمد بود، معمولاً فردی از خانواده پدری، مانند پدر و برادر، به او کمک مالی می‌کردند. معصومه ۳۳ ساله می‌گوید:

خانواده‌م خیلی دلسوزی می‌کردن. همه‌ش مراقب بودن گریه نکنم. شب‌ها می‌خوابیدم، بعضی وقت‌ها مامانم می‌اومد پتو رو می‌زد کنار که ببینه من گریه می‌کنم یا نه. اون قدر مهربونی می‌کردن انگار من توی اون خونه مهمونم. همه‌ش حواسشون به من بود. من بدم می‌اومد. اون قدر دلسوزی می‌کردن نمی‌داشتن من تو حال خودم باشم. ولی چاره‌ای نداشتیم. خونه از خودم نداشتیم. مجبور بودم با اون‌ها زندگی کنم. همه‌ش مثل یه مهمون باهام رفتار می‌شد. الان هم خیلی وقت‌ها باز احساس می‌کنم مهمونم اونجا.

در برخی موارد، به علت شاغل نبودن زن مطلقه و نداشتن درآمد برای گذران زندگی، یکی از اعضای خانواده، که معمولاً پدر یا برادر بود، از او حمایت اقتصادی می‌کردند. مینا ۳۳ ساله می‌گوید:

منی دونم اگه داداشم نبود، من بعد طلاق چطور می‌خواستم زندگی دو تا بچه‌م رو بگردونم. الان خرج زندگی و کرایه‌خونه‌م رو داداشم می‌ده. خیلی ازم حمایت می‌کنه. اگه اون نبود، معلوم نبود چه بلایی سر من و بچه‌هام می‌اومد. الان واقعاً دوست دارم یه کار پیدا کنم خودم درآمد داشته باشم. نخوام از کسی کمک بگیرم.

جدول ۲. حیطه‌ها، مضمون‌ها و خرده‌مضمون‌های مربوط به روابط زنان مطلقه

حیطه	مضامین اصلی	مضامین فرعی (توضیحات)
روابط با خانواده	محیط حمایتی خانواده	دریافت ترحم و دلسوزی از جانب اعضای خانواده در چند ماه نخستین بعد از طلاق دریافت حمایت‌ها و کمک‌های اقتصادی از جانب خانواده در صورت عدم اشتغال
	افزایش کنترل	کنترل همه‌جانبه فرد مطلقه از جانب اعضای خانواده به‌خصوص پدر و برادران (کنترل وضعیت ظاهری، مکان زندگی، مکان و زمان رفت‌وآمد)
	کاهش استقلال و خودمختاری	کاهش یا از بین رفتن استقلال فرد مطلقه سوء استفاده جهت انجام‌دادن کارهای مختلف اعضای خانواده
روابط با دوستان	احساس ناامنی در برابر فرصت‌طلبی برخی دوستان	سوء استفاده مالی برخی از دوستان فرد مطلقه از او به علت داشتن خانه مستقل
	همسان‌گزینی در معاشرت با دوستان (زنان مطلقه)	محدود شدن رابطه با دوستان متأهل توسط فرد مطلقه و کاهش معاشرت با دوستان متأهل برقراری ارتباط با زنان مطلقه دیگر از سوی فرد مطلقه (عضویت در گروه نارائان)
	دریافت حمایت از برخی از دوستان	حمایت مالی و عاطفی برخی از دوستان از فرد مطلقه در امور مختلف
روابط با فامیل، آشنایان و همسایگان	طرد اجتماعی برون‌زا	سوء ظن نسبت به احتمال ارتباط با مردان فامیل با فرد مطلقه از جانب اقوام و همسایگان کنایه‌ها و نگاه‌های سنگین و معنادار اعضای فامیل و همسایگان نسبت به فرد مطلقه
	طرد اجتماعی درون‌زا (طرد خودخواسته)	محدود کردن یا قطع رابطه با برخی از اقوام از جانب فرد مطلقه و عدم رغبت برای حضور در مهمانی‌های فامیلی
روابط در محیط کار و اجتماع	بستر شغلی ناامن	پیشنهاد رابطه جنسی از سوی همکاران و ارباب و رجوع تمایل به کار در محیط‌های زنانه به جهت تأمین امنیت
	مطرود از بازار کار	از بین رفتن فرصت‌های شغلی فرد مطلقه در صورت افشای طلاق نداشتن امنیت شغلی در صورت افشای مطلقه‌بودن
	تن‌دادن به ازدواج ناپایدار	پذیرش پیشنهاد ازدواج موقت و پنهانی از سوی فرد مطلقه به علت دریافت حمایت مالی و عاطفی

محیط کنترلی و حمایتی خانواده، طرد اجتماعی درون‌زا و برون‌زا، فضای امن شغلی و اجتماعی

افزایش کنترل

با گذشت زمان، حس دلسوزی خانواده به حسی از کنترل و مراقبت تبدیل می‌شد. این رفتار نیز برای زن مطلقه مورد پذیرش نیست و در برخی موارد با ناراحتی و دلخوری و بحث میان فرد و خانواده‌اش همراه می‌شود. این کنترل و مراقبت نیز در میان زنانی که با خانواده پدری خود زندگی می‌کردند نمود بیشتری داشت. اعمال کنترل از جانب خانواده پدری در جنبه‌های مختلف نمود داشت. از جمله در پوشش و ظاهر، زمان و مکان رفت‌وآمدهای فرد مطلقه و مکان زندگی او. زهرا ۲۹ ساله در این باره می‌گوید:

بعد از طلاق همه‌جوره خانواده کنترل می‌کنن. کی می‌ری، کی می‌آی. با کی می‌ری. حتی اگه با تلفن حرف بزنی هم همه می‌خوان بدونن کیه. کلاً استقلال نداری دیگه. همه می‌خوان تو کارت سرک بکشن و کنترلت کنن.

مهشید ۳۲ ساله می‌گوید:

رفتارشون بعد طلاق مسلماً تغییر می‌کنه. گیرهایی که می‌دن. ترحم تا یه مقطعی هست. بعد اون حساسیت‌های بیخود و بیجا که واقعاً اذیت کرده و می‌کنه. روی همه‌چی. من الان طبقه پایین خونه پدری هستم. چون خونواده‌م این جور می‌خوان. می‌خوان که من نزدیکشون باشم که بیشتر مراقبم باشن. به مردهای جامعه اعتماد ندارن. می‌ترسن از حرف مردم. هرچی هست، همه چیز زندگی‌م تحت کنترل خانوادمه. این واقعاً بده. دوس دارم زندگی‌م مستقل باشه.

کاهش استقلال و خودمختاری

برخی از مصاحبه‌شوندگان اعلام کردند که بعد از طلاق به علت عدم اشتغال و نداشتن درآمد در خانه پدری یا نزدیک خانه پدری زندگی می‌کردند. این نزدیکی محل زندگی در بیشتر موارد به کاهش استقلال زنان و دخالت خانواده و والدین در تصمیم‌گیری‌ها منجر می‌شود؛ در صورتی که در متأهلی احساس استقلال بیشتری از خانواده پدری خود داشتند. مریم ۳۰ ساله می‌گوید:

زمانی که جدا نشده بودیم، انگار یه عزت و احترام دیگه‌ای داشتیم. بعد که جدا بشی، انگار سرخورده می‌شی. هرکسی برسه یه چیزی بگه. هرکی برسه یه تصمیم بگیره. دیگه انگار خودت نمی‌تونی برای خودت باشی و تصمیم بگیری.

در مرحله سوم طلاق فرد، که همان دوره بهبودی است، در برخی موارد کاهش استقلال زن مطلقه، زندگی او در خانه پدری و حمایت‌های اقتصادی صورت‌گرفته از او به سوء استفاده‌هایی از او منجر می‌شد که در قالب توقعات زیاد در انجام امور مختلف نمود داشت. عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان عنوان کردند که اعضای خانواده احساس می‌کنند چون آن‌ها دیگر متأهل نیستند، زمان بیشتری دارند و می‌توانند بار برخی مسئولیت‌های خود را بر گردن آن‌ها بیندازند. مریم ۳۳ ساله در این باره می‌گوید:

از زمانی که من جدا شدم و تو خونه با مامانم زندگی می‌کنم، همه‌ی خواهر و برادرهام که ازدواج کردن ازم توقع دارن. همه‌ی کارهای مربوط به مریضی مامانم رو من باید انجام بدم و همه از مسئولیت‌هاشون فرار می‌کنن و گردن من می‌ندازن. بعضی وقت‌ها احساس می‌کنم واقعاً دارن ازم سوء استفاده می‌کنن.

در پاره‌ای از مصاحبه‌ها نیز، فرد مطلقه از سوء استفاده اقتصادی خانواده پدری خود سخن می‌گفت. خصوصاً در شرایطی که فرد مطلقه با خانواده پدری زندگی می‌کرد و شاغل بوده یا مبلغی را به‌عنوان مهریه دریافت کرده بود، بیان می‌کرد که خانواده از درآمد یا مهریه او استفاده می‌کرد و خود فرد در این زمینه استقلال کمی داشت. در این باره فاطمه ۳۳ ساله می‌گوید:

مهریه رو که گرفتم، دادم دست بابام. چون مشکل داشت. ولی بعد از چند سال اصلاً به این فکر نمی‌کرد باید پول من رو بده. انگار چون توی اون خونه زندگی می‌کردم و خرجم رو می‌دادن، حق نداشتم مهریه‌م رو ازشون پس بگیرم. من هم دیگه گفتم پولم رو می‌خوام و گرفتم. بعدش خودم یه خونه اجاره کردم.

احساس ناامنی در برابر فرصت‌طلبی برخی دوستان

بعد از طلاق فرد و هم‌زمان با زندگی مستقل او دور از خانه پدری، تعدادی از دوستان او سعی داشتند از شرایط زندگی مستقل او سوء استفاده کنند که این مسئله پس از مدتی به کاهش رابطه فرد با تعدادی از دوستانش منجر شده بود. در این باره، سمانه ۳۳ ساله می‌گوید:

دوست‌هایی بودن که توی محیط کارم بهم کمک کردند. ولی خب ضرر هم بهم زدن. از اینکه خونه تنها دارم سوء استفاده کنن، بخوان با کسی بیان خونه. بعضی وقت‌ها احساس می‌کردم زیادی بهشون سرویس می‌دم. ناهار و شام همه‌ش خونه من بودن.

همین‌طور مهسا ۲۷ ساله می‌گوید:

الان مستقل زندگی می‌کنم، اما بعضی مواقع دوست‌های مجرد و مطلقه‌ام سوء استفاده می‌کنن و همیشه خونه من هستن. البته بهم از نظر روحی و عاطفی کمک هم می‌کنن، ولی خب خیلی‌هاشون ازم سوء استفاده هم می‌کنن. چون توی خونه‌م مرد نیست، راحت می‌آن و می‌رن. من هم خیلی وقت‌ها چیزی نمی‌تونم بگم.

همسان‌گزینی در معاشرت با دوستان

زنان پس از طلاق تمایل بیشتر به دوستی با افرادی داشتند که مانند آن‌ها طلاق را در زندگی‌شان تجربه کرده و شرایط زندگی شبیه به آن‌ها داشتند. تعدادی از زنان در گروه‌های «نارانان»، وابسته به سازمان بهزیستی، عضو بودند و آشنایی آن‌ها با بیشتر دوستانشان حین و پس از طلاق از جلسات ناراران بود. زنانی که همسرانشان اعتیاد دارند در این انجمن عضو

هستند. زنان در این انجمن تجربیات خود را از زندگی و حل مشکلات با یکدیگر در میان می‌گذارند و با افرادی که شرایطی مشابه شرایط زندگی آنان را دارند آشنا می‌شوند. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان در کلاس‌های نارائان عضو بودند. آن‌ها بیان کردند این جلسات و استفاده از طرح‌های مطالعاتی و ارتباط با راهنما منجر شده که برای خود ارزش بیشتری قائل شوند و دیدشان به زندگی و خدا تغییر کند. در نتیجه توانسته بودند سازگاری بیشتری با شرایط خود داشته باشند. سمیه ۳۳ ساله در این باره می‌گوید:

بیشتر دوست‌های من نارائانی هستند. دوست عادی هم دارم، اما احساس می‌کنم اون‌ها نمی‌تونن من رو درک کنن. الان بیشتر با دوست‌های نارائانی‌م صمیمی هستم. خیلی شب‌ها زنگ می‌زنیم باهم حرف می‌زنیم. خب اون‌ها بیشتر شرایط من رو درک می‌کنن. بعضی‌هاشون هم خیلی وقته طلاق گرفتن و تجربه‌شون زیاده، بهم از مشکلات می‌گن و کمک می‌کنن بهم.

به موازات دوستی فرد با زنان مطلقه دیگر و همگنان خود، رابطه او با دوستان متأهل، که در شرایط متفاوتی از زندگی خانوادگی قرار داشتند، کاسته شد. زنان علت این امر را بی‌اعتمادی دوستانشان به همسرانشان و احساس خطر در رابطه با همسرانشان و همین‌طور درک نکردن آنان از شرایط جدید زندگی‌شان عنوان کردند. از سوی دیگر، در برخی موارد، این زنان مطلقه زندگی خود را با دوستان متأهل خود مقایسه می‌کردند و این مقایسه به رنجش آن‌ها منجر می‌شد. به این علت ترجیح می‌دادند روابطشان را با دوستان متأهل خود کم کنند. نجمه ۳۳ ساله در این باره می‌گوید:

دیگه دوست‌های متأهلم من رو درک نمی‌کنن. بیشتر دوست‌هام الان یا مجردن یا مطلقه. این‌ها بیشتر درکم می‌کنن تا اون‌ها که الان متأهل‌ان. بعضی وقت‌ها زندگی‌م رو باهاشون مقایسه می‌کردم و واقعاً ناراحت می‌شدم. با خودم می‌گم من از اون‌ها چی‌م کمه که اون‌ها سر زندگی‌شون‌ان. وقتی با اون‌هام، همه‌ش فکر می‌کنم توی زندگی‌م شکست خوردم.

در برخی موارد نیز، فرد مطلقه رابطه خود را با دوستان متأهل خود کم کرده بود. به این علت که احساس می‌کرد دوستان متأهلش از رابطه او با همسرانشان می‌ترسیدند. در این باره، فرزانه ۲۹ ساله می‌گوید:

اون اول‌ها خونه دوست‌های متأهلم می‌رفتم. اما بعد از یه مدت رفتارهاشون عوض شد. انگار می‌ترسیدن من با شوهرشون صیغه بشم. رفتارهاشون دیگه کم‌کم تغییر کرد. اون‌ها از شوهرشون می‌ترسیدن. من هم برای اینکه خیالشون راحت بشه، دیگه خونه‌شون نرفتم. دیگه رابطه‌م رو باهاشون سرد کردم.

دریافت حمایت از برخی دوستان

در برخی از موارد، تعدادی از دوستان فرد از نظر مالی و عاطفی از او حمایت می‌کردند. حمایت عاطفی، در غالب موارد، از جانب دوستان مطلقه فرد که شرایط مشابهی داشتند، صورت می‌گرفت. مهسا ۲۷ ساله می‌گوید:

یه دوست دارم اون هم طلاق گرفته. بعضی وقت‌ها که کم می‌آرم، زنگ می‌زنم با اون حرف می‌زنم یا باهم می‌رویم بیرون. با اون خیلی راحتم، چون هرچی می‌گم اون هم می‌فهمه. مثل بقیه نیست که همه‌ش نصیحت کنه یا بخواد الکی دلداری بده.

حمایت مالی از زن مطلقه نیز در اکثر موارد در کمک به اشتغال و کسب درآمد او بود. فرزانه ۲۹ ساله می‌گوید:

یکی از دوست‌هام آرایشگاه داشت. طلاق که گرفتم، درآمد نداشتم. رفتم پیش این دوستم همه‌چیز یادم داد. کمکم کرد خودم آرایشگاه بزنم. بهم وسایل و پول قرض داد. الان دیگه خودم دستم توی جیبمه.

طرد اجتماعی برون‌زا

زنان مطلقه مصاحبه‌شده بیان کردند که بعد از طلاق روابط اعضای فامیل، به‌خصوص زنان دارای همسر، با فرد مطلقه به میزان چشمگیری کاهش پیدا کرده بود. مصاحبه‌شوندگان علت این تغییرات رفتار را ترس زنان از روابط زنان مطلقه با همسرانشان عنوان کردند. فرد مطلقه شاهد نوعی طرد نمادین از سوی اقوام و آشنایان خود بود. به این شکل که در بسیاری از موارد صحبت یا حرفی بیان نمی‌شد، اما فرد مطلقه از نگاه‌های سنگین و معنادار و کنایه‌های اطرافیان، به‌خصوص در مهمانی‌های خانوادگی، رنج می‌برد. این نگاه‌های سنگین و معنادار و کنایه‌های دیگران برای فرد مطلقه فشار روانی را در پی داشت. فاطمه ۳۳ ساله می‌گوید:

بعد از طلاق اصلاً خودبه‌خود آدم رابطه‌ش با فامیل کم می‌شه. چون وقتی باهاشون رفت‌وآمد داری، همه‌ش باید نیش و کنایه بشنوی یا پشت سرت پچ‌پچ کنن. همه حساس می‌شن به شوهرهاشون.

طرد اجتماعی درون‌زا (خودخواسته)

پس از مدتی از طلاق، فرد مطلقه خود تصمیم می‌گرفت که دیگر در مهمانی‌ها و روابط اعضای فامیل کمتر حضور داشته باشد تا شاهد این فشار روانی و طردشدن از جانب اعضای فامیل نباشد. این مسئله به کاهش روابط فرد مطلقه منجر می‌شد و درنهایت به تنهایی و انزوای بیشتر او دامن می‌زد. زهرا ۲۹ ساله در این باره می‌گوید:

قبل از طلاق فامیل بهم اعتماد داشتن. الان تغییر کرده. به خاطر همین دیگه با فامیل رفت و آمد نمی‌کنم.

نیره ۳۳ ساله نیز در این باره می‌گوید:

دیگه آدم وقتی بعد از یه مدت رفتارهای فامیل رو می‌بینه، حتی اگه دعوتتم کنن جایی، دلت نمی‌خواد بری. من هم دیگه از فامیل و آشنا بریدم. چون وقتی می‌ری بینشون، باید هم‌هش سؤال و جواب پس بدی. یا پز زندگی‌شون رو می‌دن یا تیکه می‌ندازن. وقتی نمی‌رم انگار آرامشم بیشتره. نمی‌رم که هم خودم راحت باشم، هم اون‌ها، هم حرف و حدیث کمتر پشتم باشه.

بستر ناامن شغلی

در بیشتر موارد، طلاق تأثیر منفی در کار و رابطه فرد با همکاران داشته است. عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان کاری در محیط بیرون و در ارتباط با مردان داشتند و عده‌ای نیز آرایشگری، خیاطی و قالی‌بافی می‌کردند. افرادی که کار آن‌ها در محیط بیرون و در محلی با حضور همکاران مرد بود که عنوان کردند بعد از طلاقشان تغییر رفتار و مزاحمت‌هایی را در محل کار خود شاهد بودند. مریم ۳۰ ساله در این باره می‌گوید:

قبلاً توی یه مطب کار می‌کردم. توی کارهای حجامت و چیزهای دیگه. یکی فهمیده بود من طلاق گرفتم خیلی مزاحم شد. بعدش هم برای فروشنده‌گی رفتم. اولش هم نگفتم مطلقه هستم، اما بالاخره فهمیدن. بالاخره هر جا برم، سر کار می‌فهمن حتی نگم.

مینا ۳۳ ساله، که بعد از جدایی از کار خود اخراج شده بود، می‌گوید:

کافیه بفهمن مطلقه‌ای. حرف و حدیث‌ها و مزاحمت‌ها هست. توی محل کارم رئیس هم بهم پیشنهاد داد. قبول نکردم، من رو اخراج کرد. دیگه هم نمی‌خوام برم توی شرکت‌ها کار کنم. چون می‌دونم هر جا برم وضع همینه. الان می‌رم دانشگاه درس بخونم یه مدرک بگیرم شاید بتونم یه جای خوب برم سر کار. الان مشکل اصلی‌م اینه که درآمد ندارم.

مطرود از بازار کار

معمولاً فرد مطلقه بعد از طلاق خود از بازار کار طرد می‌شود. از آنجا که مصاحبه‌شوندگان از تحصیلات و شرایط اجتماعی بالایی برخوردار نبودند، معمولاً مشاغل با سطح تخصص پایین تنها انتخاب آن‌ها بود. بیتا ۲۸ ساله می‌گوید:

طلاقم تأثیر منفی توی کارم داشت. کلاً دیدگاه مردم ساوه اینه هر کی آرایشگاه داره، مطلقه‌ست. بعد از طلاق آرایشگاه زدم، ولی مشتری‌هام که خونه‌شون نزدیک

آرایشگاه بود فهمیده بودن طلاق گرفتم، دیگه نیومدن. دیگه بعد از یه مدت آرایشگاهم رو جمع کردم.

نقطه مشترک در اظهارات زنان این بود که معمولاً در محیط کار خود از اظهار مطلقه بودن خود خودداری می‌کردند، چون معتقد بودند که نگاه همکاران یا مشتری‌های آن‌ها تغییر می‌کند و ممکن است تأثیر منفی در کارشان داشته باشد. مهناز ۳۵ ساله در این باره می‌گوید:

بعد از طلاق، آرایشگاه زدم و کار کردم. به مشتری‌هایی که باهاشون زیاد صمیمی نیستم نمی‌گم شوهر ندارم. چون اگه بگم، مشتری‌هام از دستم می‌رن. مردم عقلشون به چمششونه دیگه. می‌گن این آرایشگره به خودش می‌رسه نکنه بخواد کاری کنه.

تن دادن به ازدواج ناپایدار

دو مورد از مصاحبه‌شوندگان نیز بیان کردند که مدتی را با مردی صیغه محرمیت خوانده بودند که آن مرد هم از آن‌ها حمایت عاطفی داشت و هم مالی. بیبا ۲۸ ساله در این باره می‌گوید:

یه آقای بود که سه سال باهاش صیغه بودم. اون هم از نظر عاطفی حمایت می‌کرد، هم مالی. چاره‌ای نداشتم، چون نمی‌تونستم خرج خودم و کرایه خونه رو دربیارم. اون آقا هم زن داشت، ولی پیش من هم می‌اومد. دیگه بعد از سه سال خودم رفتم به زنش گفتم. چون بهش وابسته شده بودم. می‌خواستم زنش بفهمه تا عقدم کنه و دیگه پنهونی نباشه. اما همه‌چی به هم خورد و ولم کرد رفت.

این فرد هم بر حمایت عاطفی و هم حمایت اقتصادی تأکید داشت و به این دو علت ازدواج موقت یا صیغه را قبول کرده بود. مهشید ۳۲ ساله نیز که تجربه ازدواج موقت بعد از طلاق را داشت می‌گوید:

من به خاطر مشکل مالی صیغه شدم، چون از پس کرایه خونه بر نمی‌اومدم. اگه از ما (زنان مطلقه) حمایت بشه، کسی حاضر نیست صیغه بشه یا خیلی کم صیغه می‌شن. چون باید همه‌ش رابطه پنهونی باشه. من الان دوست دارم ازدواج کنم، اما کی می‌آد یه زن طلاق گرفته با دو تا بچه رو بگیره.

بحث و نتیجه‌گیری

اگرچه تحقیقات کیفی اکتشافی است، نتایج آن باید با پژوهش‌های قبلی و نظریه‌های استفاده‌شده مطابقت داشته باشد. روابط زنان مطلقه با خانواده پدری را می‌توان با نظریه کاسلو منطبق دانست. طبق نظر کاسلو [۹]، زنان مطلقه سه مرحله قبل از طلاق، دوره حین طلاق یا بازسازی و دوره بعد از طلاق یا بهبودی را تجربه می‌کنند. در هر یک از این مراحل، فرد مطلقه تعاملات متفاوتی را تجربه می‌کند. در دوره بازسازی، ترحم و دلسوزی و همچنین حمایت‌های

اقتصادی و مالی و در دوره بعد از طلاق با مضامین کنترل فرد مطلقه، از بین رفتن استقلالش و سوء استفاده از او مشخص شد. کنترل فرد مطلقه و سوء استفاده از او در انجام دادن امور اعضای خانواده، در بیشتر موارد با عدم اشتغال و کسب درآمد زن مطلقه همراه بود. زنانی که بدون درآمد و بیکار بودند مجبور بودند با خانواده پدری خود زندگی کنند و از نظر اقتصادی به خانواده پدری وابستگی داشتند. همین امر منجر به کاهش استقلال فردی آنها می‌شد و همین‌طور اعضای خانواده پدری، به‌خصوص پدر و برادران، این حق را برای خود قائل بودند که در همه امور فرد مطلقه دخالت داشته باشند. به همین علت همه مصاحبه‌شوندگانی که بیکار بودند، حتی در برخی موارد با وجود تأمین نیازهای خود از جانب خانواده پدری، تمایل به اشتغال داشتند تا بتوانند استقلال از دست رفته خود را بازیابند. جوهره اصلی تجربه زیسته زنان مطلقه در حوزه روابط با خانواده پدری را می‌توان در محیط حمایتی و کنترلی خلاصه کرد. نتیجه مطالعه در این حوزه با تحقیق عنایت‌زاده و قاضی طباطبایی [۸]، حسنی و همکاران [۲] و محمدپور [۱۵] همخوانی دارد.

در تحلیل روابط زنان مطلقه با دوستان و آشنایان می‌توان از نظریه گافمن و همچنين طرد اجتماعی سود جست. طبق نظر گافمن، مطلقه‌بودن را می‌توان ننگ برشمرد که می‌تواند بر هویت اجتماعی و شخصی فرد و تصویری که فرد از خود دارد تأثیرگذار باشد. زنان مطلقه در ارتباط با دیگران، با توجه به اینکه مطلقه‌بودنشان به منزله یک ننگ آشکار است یا پنهان، متفاوت‌اند. در واقع، زنان مطلقه جهان خود را به دو گروه تقسیم می‌کنند. گروه بزرگ‌تر شامل همسایگان، همکاران و افراد جامعه است که باید مطلقه‌بودن را از آنها پنهان کرد و گروه کوچک‌تر که می‌توان از حمایت عاطفی و مالی آنها بهره‌مند شد؛ مثل زنان مطلقه دیگر، دوستان قدیمی و اعضای خانواده پدری. زمانی که طلاق گرفتن زنان بر برخی از افراد همچون اقوام و دوستان آشکار است، آنها از داغ بی‌اعتباری رنج می‌برند و باید به مدیریت تنش‌های موجود در تعامل‌هایشان با دیگران بپردازند. بنابراین آنها سعی می‌کنند از طریق ادامه تحصیل و کسب شغل به استقلال دست یابند. برخی از آنها مستقل از خانواده پدری زندگی می‌کنند و خود را از کنترل اعضای خانواده پدری رها می‌کنند و برخی دیگر، که شغلی را نیافته‌اند و همچنان با خانواده پدری زندگی می‌کنند، از اینکه تحت کنترل خانواده خود هستند احساس نارضایتی دارند. در رابطه با دوستان، فرد رابطه با همگنان یا خودی‌ها را به رابطه با غیرخودی‌ها ترجیح می‌دهد. خودی‌ها و همگنان همان‌هایی هستند که مانند فرد مطلقه از همسر خود جدا شدند و شرایط زندگی و تجربه داغ ننگ فرد مطلقه را درک می‌کنند. در واقع، مصاحبه‌شوندگان در این حوزه تمایل به همسان‌گزینی در معاشرت با دوستان داشتند. غیرخودی‌ها یا افرادی که شرایط داغ ننگ فرد مطلقه را درک نمی‌کنند، معمولاً با نگاه‌های سنگین و کنایه‌های خود فشار روانی بر فرد مطلقه وارد می‌کنند. در برخی موارد، این شرایط به سوء ظن نسبت به او منجر می‌شود و افراد فامیل یا آشناها به رابطه پنهانی فرد مطلقه با مردان دیگر شک می‌کنند. در این شرایط، فرد ترجیح می‌دهد که از شرکت در مهمانی‌های

خانوادگی و فامیلی و جمع‌هایی که همه از مطلقه‌بودن او آگاه هستند خودداری کند و در نهایت شبکه تعاملات اجتماعی او کاهش می‌یابد. این یافته با نتیجه تحقیق صادقی فسایی و ایشاری [۷]، کلانتری و همکاران [۱۳]، قدرتی و همکاران [۱۱] و زارعی و همکاران [۳] هم‌خوانی دارد. در حوزه روابط با فامیل و آشنایان و در محل کار و اجتماع، زنان مطلقه طرد اجتماعی و اقتصادی را تجربه می‌کنند. طرد اجتماعی بیانگر روش‌هایی است که طی آن‌ها افراد از مشارکت کامل در جامعه بزرگ‌تر محروم می‌شوند. مفهوم طرد اجتماعی توجه ما را به طیف وسیعی از عواملی جلب می‌کند که افراد و گروه‌ها را از داشتن فرصت‌هایی که پیش روی اکثر جمعیت است، باز می‌دارد. طرد اجتماعی می‌تواند چندین شکل داشته باشد. طرد و جذب را می‌توان به لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار داد. مهم‌ترین ویژگی طرد اجتماعی این است که مسائلی مانند بیکاری، ضعف مهارت‌ها، درآمدهای کم، مسکن نامناسب، جرم، وضعیت نامطلوب سلامت و فروپاشی خانواده- که از ابعاد آن است- به هم پیوند می‌یابند و به نحو متقابلی یکدیگر را تقویت می‌کنند و می‌توانند باهم ترکیب شوند تا چرخه باطلی را ایجاد کنند که با سرعت پیش می‌رود [۱۴]. هسته مشترک استخراج‌شده از روابط با دوستان و آشنایان را می‌توان در مفاهیم طرد اجتماعی درون‌زا و برون‌زا خلاصه کرد. زمانی که افرادی از جامعه از مطلقه‌بودن فرد آگاهی ندارند، مثل همکاران، همسایگان و دیگر افراد جامعه، زن مطلقه از داغ احتمال بی‌اعتباری رنج می‌برد و بنابراین باید به مدیریت اطلاعات بپردازد. بنابراین، مطلقه‌بودن خود را پنهان می‌کند؛ زیرا به تجربه دریافته است که برخی از افراد جامعه، به‌ویژه مردان، با دانستن مطلقه‌بودن او برای وی مزاحمت‌های جنسی را ایجاد کرده‌اند. در صورتی که اعضای جامعه از مطلقه‌بودن او آگاه شوند، او دچار طرد اجتماعی می‌شود. معمولاً شرایط شغلی مناسبی برای زن مطلقه فراهم نیست و در بیشتر موارد او ترجیح می‌دهد در محیط کار زنانه، مانند خیاطی، کارگاه قالی‌بافی و آرایشگاه، مشغول به کار شود تا احساس امنیت اجتماعی بیشتری را تجربه کند. در حوزه روابط در محیط کار و اجتماع نیز، مفهوم بستر ناامن شغلی و اجتماعی استخراج شد. نتایج تحقیق در این حیطه با نتایج تحقیق صادقی فسایی و ایشاری [۶]، قطبی و همکاران [۲۱]، افراسیابی و جهانگیری [۱] و حسنی و همکاران [۲] هم‌خوانی دارد. طبق نتایج این تحقیق، می‌توان بیان کرد که زنان مطلقه بررسی‌شده در روابط خانوادگی و اجتماعی خود بعد از طلاق تغییرات بارزی را تجربه می‌کنند که جوهره مشترک این تغییرات در حوزه روابط خانوادگی محیط کنترلی و حمایتی و در حوزه روابط اجتماعی طرد اجتماعی درون‌زا و برون‌زا و بستر ناامنی شغلی و اجتماعی است.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به دسترسی‌نداشتن به زنان مطلقه با سطح تحصیلات بالا و مشاغل با سطح بالای تخصص اشاره کرد. همچنین، مشکلات در یافتن اعضای گروه هدف و جلب رضایت آن‌ها برای مصاحبه و در نتیجه طولانی‌شدن زمان جمع‌آوری اطلاعات از دیگر محدودیت‌های این تحقیق بود. با توجه به اهمیت شرایط اقتصادی در تعاملات زنان مصاحبه‌شده، پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی با زنان مطلقه‌ای با سطوح اقتصادی و

اجتماعی بالا مصاحبه شود تا بتوان به دید جامع تری از شرایط این زنان با طبقه‌های مختلف دست یافت. با توجه به اینکه سن فرزندان مصاحبه‌شوندگان متفاوت بوده و از هر دو جنس بودند، امکان استخراج اطلاعات معتبر در رابطه با فرزندان نبود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی بر رابطه زنان با فرزندان در سنین مختلف مطالعه‌ای انجام شود. با توجه به نتیجه این پژوهش، یکی از مشکلات عمده زنان مطلقه طرد اقتصادی آنان است. در این زمینه، مؤسسه‌های حمایتی مانند بهزیستی نتوانسته‌اند حمایت کافی را از آن‌ها داشته باشند. پیشنهاد می‌شود سازمان‌های مربوطه با حمایت‌های اقتصادی و ایجاد شرایطی برای اشتغال پایدار این زنان زمینه را برای کاهش مشکلات اقتصادی و اجتماعی این زنان فراهم کنند. از دیگر مشکلات این زنان می‌توان به تبعیض‌های جنسیتی و پس‌زدن آن‌ها از سوی جامعه نام برد. این مشکل ریشه فرهنگی دارد و در نتیجه اهمیت ازدواج برای کسب پایگاه اجتماعی زنان در ایران است. در این زمینه، پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها و مسئولان مرتبط با امور فرهنگی در جهت فرهنگ‌سازی در زمینه ارتباط و تعامل با زنان مطلقه گام مهمی بردارند. با توجه به افزایش آمار طلاق و افزایش حضور زنان مطلقه در جامعه، این فرهنگ‌سازی ضروری به نظر می‌رسد که در صورت فقدان آن و ادامه طرد اجتماعی زنان مطلقه، امکان آسیب‌های جدی اجتماعی و اقتصادی برای آن‌ها، فرزندان‌شان و کل جامعه متصور است.

منابع

- [۱] افراسیابی، حسین؛ جهانگیری، ساناز (۱۳۹۵). «آسیب‌شناسی تعاملات اجتماعی زنان سرپرست خانوار»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۴، زمستان.
- [۲] حسینی، رضا؛ قدرتی، حسین؛ امیرپور، مهناز (۱۳۹۳). «پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه شهر مشهد (یک پژوهش کیفی)»، مجله مطالعات علوم اجتماعی/ایران، س ۱۱، ش ۴۲، پاییز.
- [۳] زارعی، فاطمه؛ صلحی، مهناز؛ تقدیسی، محمدحسین (۱۳۹۳). «درک تجربیات پس از طلاق در زنان: یک پژوهش کیفی»، مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۲۱، ش ۱۲۴، مهر.
- [۴] زیبرا، مارتین (۱۳۸۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی طردشدگان اجتماعی، ترجمه حسن حسینی، تهران: آن.
- [۵] سایت اداره جوانان استان مرکزی.
- [۶] صادقی فسایی، سهیلا؛ ایثاری، مریم (۱۳۹۲). «بازتعریف خود و ساخت هویت در میان زنان پس از طلاق»، دوفصل‌نامه پژوهش‌نامه زنان، س ۴، ش اول (پیاپی ۷)، ص ۱۱۱-۱۱۸.
- [۷] صادقی فسایی، سهیلا؛ ایثاری، مریم (۱۳۹۳). «نقش فرهنگ جنسیتی در تعاملات اجتماعی زنان پس از طلاق»، مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۱۰، ش ۳۴، بهار، ص ۷۵-۹۹.

- [۸] صدرالاشرفی، مسعود؛ خنکدار طارسی، معصومه و دیگران (۱۳۹۱). «آسیب‌شناسی طلاق و راهکارهای پیشگیری از آن»، مهندسی فرهنگی، س ۷، ش ۷۳ و ۷۴، بهمن و اسفند.
- [۹] عنایت‌زاده، لیلا؛ قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۹۲). «تجربه زیسته زنان مطلقه‌گرد، فرایندها و چالش‌های آنان: بررسی پدیدارشناختی (مطالعه موردی شهرستان سقز)»، فصل‌نامه زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، س ۵، ش ۳.
- [۱۰] فلیک، اووه (۱۳۹۱). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- [۱۱] قدرتی، شفیعه؛ باقری، شهلا و دیگران (۱۳۹۵). «معناکاوی طلاق از نظر زنان مطلقه شهر سبزوار»، *مجله مسائل اجتماعی ایران*، س ۷، ش ۲، پاییز و زمستان، ص ۹۷-۱۱۵.
- [۱۲] قطبی، مرجان؛ هلاکویی نائینی، کوروش و دیگران (۱۳۸۳). «وضعیت طلاق و برخی از عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت‌آباد»، فصل‌نامه *رفاه اجتماعی*، س ۳، ش ۱۲.
- [۱۳] کلانتری، عبدالحسین؛ روشن‌فکر، پیام؛ جواهری، جلوه (۱۳۹۰). «مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران»، فصل‌نامه *شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، س ۱۴، ش ۵۳.
- [۱۴] گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- [۱۵] محمدپور، حمید (۱۳۹۳). «بسترها، پیامدها و سازگاری زنان مطلقه شهر تهران (یک مطالعه پدیدارشناسانه)»، فصل‌نامه *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ش اول.
- [۱۶] منصوریان، یزدان (۱۳۹۳). «بازتاب تجربه‌های زیسته در پژوهش»، *سخن هفته لیزنا*، ش ۱۹۲، ۳۰ تیر.
- [17] Clarke, Simon (2008). "Culture and Identity", the SAGE handbook of cultural analysis. 2008. SAGE publication. 8 Aug. 2011. <<http://www.Sageereference.Com/view/hdbkculturalanalysis/n24.xml>>
- [18] Goffman, Erving. (1968). *Stigma: Notes on the Management of Spoiled Identity*. London: Pelican.
- [19] Kavas, S. (2010). *Post Divorce Experience of Highly Educated and Professional Women*. A Phd Thesis, School of Social Sciences, Department of Sociology, Middle East Technical University.
- [20] Merriam Sh.B. (2009). *Qualitative Research, A guide to design and Implementation*, Jossay Bass.
- [21] Sánchez, Luz Dalia (2010). "Medication Experiences of Hispanic People Living with HIV/AIDS", *innovations in pharmacy*, Vol. 1, No. 1, Article 6
- [22] Schalkwyk, G.v. (2005). *Explorations of Post-Divorce Experiences: Women's Reconstructions of Self*. ANZJFT.
- [23] Thomas, C., Ryan, M. (2008). "Women's Perception of the Divorce Experience: A Qualitative Study", *Journal of Divorce & Remarriage*, Vol. 49(3/4).
- [24] Van Manen, M (1990). *Researching Lived Experience: Human Science for an action sensitive pedagogy*. State university of New York Press.